Scientific quarterly
Hadith-based Qur'anic Research

Vol. 2, No. 3, autumn 2026, 84-107
Article Type: Research Paper
DOI: 10.22034/nqr.2026.2104667.1096

An Analysis of the Concept of Seeking Forgiveness in Selected Chapters (Al-Imran, Hud, and Nuh) in Light of Exegetical Narrations

Ahmad Rabbanikhah [1]
Mohadese Tavassolinia [2]

Abstract

The present study aims to explore the semantic dimensions and interpretive functions of the concept of "seeking forgiveness" in the Quran, utilizing exegetical narrations to analyze selected verses from three pivotal chapters: Al-Imran, Hud, and Nuh. The primary research problem involves elucidating the diversity of functions associated with seeking forgiveness across various Quranic contexts, by drawing upon exegetical narrations and clarifying the relationship between this concept and various dimensions of human life. Despite the frequency of verses regarding seeking forgiveness in the Quran, this study focuses on these three chapters rather than conducting a scattered or general investigation of all relevant passages. These chapters represent the three main domains regarding the functions of seeking forgiveness: "stabilization of faith and return from deviation" (Al-Imran), "social reform and connection with divine mission" (Hud), and "the opening of material and livelihood blessings" (Nuh). Consequently, focusing on these specific chapters allows this research to move beyond general description toward a structured and in-depth analysis of the key functions of seeking forgiveness, thereby clarifying the link between human inner transformation and the external order of society within a comprehensive conceptual framework. The research methodology is descriptive-analytical, employing a comparative approach between prominent Shiite and Sunni exegeses. The findings indicate that, when viewed through the lens of exegetical narrations, seeking forgiveness in the Quran is a dynamic process that begins with doctrinal return, extends to social reform, and ultimately leads to prosperity in material life.

Keywords: Seeking forgiveness, Exegetical narrations, Faith, Social reform, Repentance.

Citation: Rabbanikhah, A., Tavassolinia, M. (2026). "An Analysis of the Concept of Seeking Forgiveness in Selected Chapters (Al-Imran, Hud, and Nuh) in Light of Exegetical Narrations". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (3), 84-107 (In Persian)

* Received: 2026/07/11, Revised: 2026/09/08, Accepted: 2026/09/18.

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Corresponding author: rabbani.kh@hsu.ac.ir
2. M.A. Student of Quranic Sciences and Hadith, University of Quranic Sciences and Teachings, Faculty of Quranic Sciences, Sabzevar, Iran. Email: Mohadesetavassolini2@gmail.com

© Authors retain the copyright and full publishing rights. **Publisher:** Hazrat-e Masoumeh University

سال دوم، شمارۀ سوم، پاییز ۱۴۰۵، صفحات ۸۴-۱۰۷
نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/nqr.2026.2104667.1096
قرآن‌پژوهی روایی

تحلیل مفهوم استغفار در سوره‌های منتخب (آل‌عمران، هود و نوح) در پرتو روایات تفسیری

احمد ربانی‌خواه [۱]
محدثه توسلی‌نیا [۲]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی ابعاد معنایی و کارکردهای تفسیری مفهوم «استغفار» در قرآن کریم، با بهره‌گیری از روایات تفسیری، به تحلیل آیات منتخب از سه سورۀ محوری «آل‌عمران»، «هود» و «نوح» می‌پردازد. مسئلۀ اصلی این تحقیق، تبیین تنوع کارکردهای استغفار در سیاق‌های مختلف قرآنی، از رهگذر توجه به روایات تفسیری و تبیین نسبت میان این مفهوم با ابعاد مختلف حیات انسانی است. با وجود تعدد آیات مربوط به استغفار در قرآن، پژوهش حاضر به‌جای بررسی پراکنده و کلی تمامی آیات، بر این سه سوره تمرکز کرده است؛ چرا که این سوره‌ها، نمایندۀ سه گسترۀ اصلی کارکرد استغفار هستند: «تثبیت ایمان و بازگشت از انحراف» (آل‌عمران)، «اصلاح اجتماعی و پیوند با رسالت» (هود) و «گشایش در برکات مادی و معیشتی» (نوح). از این رو، تمرکز بر این سه سوره به جای پرداختن به تمامی سوره‌ها، به پژوهش امکان می‌دهد تا از حالت توصیفی عام، به تحلیل ساختارمند و عمیق کارکردهای کلیدی استغفار دست یابد و پیوند میان تحول درونی انسان و نظم بیرونی جامعه را در یک بازۀ مفهومی کامل، تبیین کند. روش پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی با رویکرد تطبیقی میان تفاسیر برجستۀ شیعه و اهل‌سنت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که استغفار در قرآن از زاویۀ روایات تفسیری، فرآیندی پویاست که از بازگشت اعتقادی آغاز شده، به اصلاحات اجتماعی می‌رسد و در نهایت، به گشایش در زندگی مادی منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی: استغفار، روایات تفسیری، ایمان، اصلاح اجتماعی، توبه.

استناد: ربانی‌خواه، احمد؛ توسلی‌نیا، محدثه (۱۴۰۵). «تحلیل مفهوم استغفار در سوره‌های منتخب (آل‌عمران، هود و نوح) در پرتو روایات تفسیری». قرآن‌پژوهی روایی، ۲ (۳)، ۸۴-۱۰۷.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۷.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامۀ نویسندۀ مسئول: rabbani.kh@hsu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکدۀ علوم قرآنی سبزوار، ایران. رایانامه: Mohadesetavassolini2@gmail.com

© نگارندگان حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می کنند.
ناشر: دانشگاه حضرت معصومه

۱ـ بیان مسئله

مفهوم استغفار در نظام واژگانی قرآن کریم، فراتر از یک کنش زبانی یا تکلیف عبادی محض، نشان‌دهندهٔ سازوکاری پویا برای بازگشت به فطرت توحیدی و ترمیم شکاف‌های ناشی از خطا در ساحت فردی و اجتماعی است. با این وجآنهاود، واکاوی آیات، نشان می‌دهد که استغفار در سیاق‌های مختلف، دلالت‌های معنایی متنوعی، از توبه و انابه گرفته تا درخواست برکت و گشایش، دربرمی‌گیرد. از این رو، توجه به سیاق آیات و چگونگی تبیین آن‌ها در منابع تفسیری، می‌تواند در فهم دقیق‌تر مفهوم و کارکرد استغفار مؤثر باشد.

در میان آیات مربوط به استغفار، آیات منتخب سوره‌های آل‌عمران، هود و نوح، از جهت تفاوت در سیاق و نحوهٔ طرح این مفهوم، شایستهٔ بررسی هستند. در سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۳۵، استغفار در ارتباط با ارتکاب گناه، یاد خدا و عدم اصرار بر گناه مطرح شده و از بازگشت انسان از خطا و حرکت دوباره در مسیر تقوا سخن می‌گوید. در سورهٔ هود، آیهٔ ۳، استغفار در کنار توبه و بازگشت به سوی خداوند و در پیوند با بهره‌مندی از «متاع حسن» و آثار نیک آن مطرح شده است. در سورهٔ نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲ نیز استغفار در سخنان حضرت نوح علیه‌السلام در ارتباط با آمرزش الهی و برخورداری از باران، اموال، فرزندان، باغ‌ها و نهرها بیان شده است. بنابراین، مفهوم استغفار در این سه مجموعه آیات، در سیاق‌هایی متفاوت مطرح شده و بررسی نسبت میان استغفار و مضامین پیرامون آن، برای فهم دقیق‌تر کارکرد آن ضرورت دارد.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ استغفار، مطالعات پیشین بیشتر بر یکی از ابعاد این مفهوم تمرکز داشته‌اند؛ برخی به مفهوم استغفار در ادعیه و صحیفهٔ سجادیه پرداخته‌اند، برخی آثار فردی، اخلاقی و دنیوی آن را بررسی کرده‌اند، برخی دیدگاه مفسران معاصر دربارهٔ آیات استغفار را مورد توجه قرار داده‌اند و برخی نیز به آداب و شرایط استغفار از منظر قرآن و روایات فریقین یا مقایسهٔ استغفار در سورهٔ نوح با آیین مسیحیت پرداخته‌اند. از این رو، با توجه به این مطالعات، بررسی هم‌زمان آیات منتخب سوره‌های آل‌عمران، هود و نوح، با تمرکز بر تفاوت سیاق آیات و نحوهٔ تبیین مفهوم و کارکرد استغفار در منابع تفسیری، همچنان نیازمند توجه بیشتری است.

مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، آن است که مفهوم و کارکرد استغفار در آیات منتخب این سه سوره، با توجه به سیاق هر آیه و روایات تفسیری، چگونه تبیین شده است و چه تفاوت‌هایی در برداشت مفسران شیعه و اهل‌سنت از این آیات وجود دارد؟ پژوهش حاضر با رویکرد تفسیری ـ سیاقی و با بهره‌گیری از منابع تفسیری و روایات تفسیری فریقین، می‌کوشد ضمن تبیین مفهوم استغفار در آیات منتخب، جایگاه آن را در ارتباط با مضامین هر آیه و سوره بررسی کرده و تفاوت‌ها و اشتراکات دیدگاه‌های تفسیری شیعه و اهل‌سنت را در این زمینه تحلیل نماید.

۲- پیشینهٔ تحقیق

پژوهش‌های گوناگونی موضوع استغفار را از زوایای مختلف به‌صورت علمی بررسی کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱. «بررسی مفهوم استغفار در صحیفهٔ سجادیه» (شاهرودی و شریعتی، ۱۳۹۰، ص۴۵ـ۶۲). این پژوهش با هدف حل تعارض ظاهری میان مقام عصمت امام سجاد علیه‌السلام و اقرار ایشان به گناه در ادعیه، به تبیین سطوح مختلف استغفار پرداخته است. نویسندگان با تفکیک میان گناه عرفی و مراتب وجودی دوری از حق، استغفار معصوم را نه ناظر به خطاهای متعارف، بلکه ناشی از درک عمیق ایشان از عظمت الهی و اشتغال به غیر خدا می‌دانند. این اثر از جهت تحلیل مفهوم‌شناختی استغفار و تبیین تفاوت سطوح گناه، پیوندی نزدیک با پژوهش حاضر دارد؛ با این تفاوت که پژوهش حاضر، نه در ساحت ادعیه، بلکه در سیاق آیات قرآن و با تمرکز بر راهبرد استغفار در دعوت انبیا در سوره‌های آل‌عمران، هود و نوح، از منظر روایات تفسیری، به تحلیل مضمونی این مفهوم می‌پردازد؛ موضوعی که در پژوهش‌های مبتنی بر ادعیه، به‌عنوان یک نظام مستقل قرآنی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد «تفسیر آیات استغفار از نظر تفسیرهای معاصر» (جباری آل حسن، ۱۴۰۲) به بررسی دیدگاه مفسران معاصر دربارهٔ آیات استغفار پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش استقرایی ـ تحلیلی، به بررسی گروه‌های استغفارکننده، تبیین معانی مختلف استغفار و تفاوت دیدگاه‌ها دربارهٔ مسئلهٔ عصمت انبیا در مقام استغفار پرداخته است.

۳. «امکان‌سنجی آمرزش‌خواهی برای دیگران در سایهٔ هویت‌یابی استغفار، ثواب و عقاب» (دهقانی اشکذری، ۱۴۰۴، ص۲۴ـ۳۸). نویسنده با رویکردی کلامی و با بررسی دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ ثواب و عقاب، به تحلیل امکان عقلی استغفار برای دیگران پرداخته است. تفاوت اصلی پژوهش حاضر با این اثر در آن است که در اینجا بحث از دایرهٔ امکان‌سنجی عقلی فراتر رفته و به تحلیل مضمونی و کارکردی استغفار در آیات منتخب، در سایهٔ روایات تفسیری می‌پردازد تا مشخص شود استغفار چگونه در پرتو آیات این سه سوره، به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در تبیین جایگاه هدایتی پیامبران عمل می‌کند.

۴. «آداب و شرایط استغفار از منظر قرآن و روایات فریقین» (شاه‌محمدی، ۱۴۰۲). این پایان‌نامه با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی، به بررسی اصول، علل، شرایط و آداب استغفار پرداخته است. تمرکز اصلی این پژوهش بر تطبیق دیدگاه‌های قرآن کریم با روایات موجود در منابع فریقین برای تبیین روش‌ها و شرایط پذیرش استغفار بوده است.

۵. «بررسی ماهیت استغفار در قرآن (سورهٔ نوح) و مقایسهٔ آن با آیین مسیحیت» (اصغری، ۱۴۰۲). در این پژوهش، با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، ماهیت استغفار در سورهٔ نوح بررسی و با آموزه‌های مسیحیت مقایسه شده است. هدف این پژوهش، اثبات برتری آموزه‌های قرآنی در زمینهٔ آداب و شرایط پذیرش استغفار نسبت به سایر کتب آسمانی بوده است.

با بررسی جامع پژوهش‌های ذکرشده، مشخص می‌شود که مطالعات پیشین در حوزهٔ استغفار، عمدتاً در یکی از سه مسیر «رویکرد کلامی و فقهی»، «تحلیل روایی و اخلاقی» یا «مقایسهٔ ادیان» گام برداشته‌اند. اگرچه برخی پژوهش‌ها به تفسیر آیات استغفار پرداخته‌اند، تمرکز آن‌ها یا بر دیدگاه مفسران معاصر بوده، یا بر بررسی آداب و شرایط استغفار، و یا به بررسی یک سوره و مقایسهٔ آن با سایر ادیان محدود شده است. با این حال، در میان این آثار، پژوهشی که با رویکرد تفسیر موضوعی ـ سیاقی به تبیین نظام استغفار در پرتو آیات منتخب سه سورهٔ آل‌عمران، هود و نوح بپردازد و پیوند میان ساختار سیاقی آیات و نقش هدایتی استغفار در سیرهٔ انبیا را واکاوی کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی، با تمرکز بر تحلیل مضمونی و استخراج الگوهای معرفتی از میان این آیات منتخب، بر آن است تا جایگاه استغفار را نه‌تنها به‌عنوان یک عمل فردی، بلکه به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در نظام دعوت و هدایت پیامبران تبیین نماید.

۳- مفهوم‌شناسی

در ادامه، با توجه به دیدگاه لغت‌شناسان، معانی مختلف واژهٔ استغفار، متضادها و مترادف‌های آن بررسی می‌شود.

۳-۱- معنای لغوی استغفار

برای دستیابی به معنای دقیق واژگان، نخست باید معنای لغوی آن‌ها بررسی شود؛ زیرا شناخت ریشهٔ واژه و کاربردهای آن در منابع لغت، زمینهٔ لازم را برای درک دقیق‌تر و عمیق‌تر آن در آیات و روایات فراهم می‌کند. از این رو، در ادامه، معنای استغفار با مراجعه به برخی از منابع معتبر لغوی بررسی خواهد شد.

در بررسی‌های واژگانی، «استغفار» در بستر معنایی «پوشاندن» و «درخواست آمرزش» تعریف شده است. استغفار به معنای درخواست آمرزش و بخشش (معلوف، ۲۰۰۰، ص۱۰۵۹) و نیز پوشاندن چیزی به‌گونه‌ای که آن را از آلودگی حفظ کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۶۰۹) به کار می‌رود. «غَفَر» به معنای کلاه‌خود، یعنی پوششی برای سر نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۴، ص۴۰۶) و مفهوم عبارت ﴿غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذَنْبَهُ﴾ آن است که خداوند گناه او را پوشاند و از آن درگذشت. واژه‌های «غَفْر»، «غُفْران»، «غَفُور»، «مَغْفِرَة» و «غِفْرَة حَسَنَة» همگی بر پوشاندن گناه و عفو از آن دلالت دارند و اصل واژهٔ «غَفْر» به معنای پوشاندن است (موسی و صعیدی، ۱۳۶۹، ص۲۵۶). استغفار عبارت است از درخواست آمرزش گناهان و پوشیده ماندن آن‌ها برای بنده، به‌گونه‌ای که به سبب آن گناهان رسوا نشود و این امر تنها با محو شدن آن گناهان از لوح نفس انسان تحقق می‌یابد (مدنی، ۱۳۶۸، ج۲، ص۵۱۳).

۳-۲- معنای اصطلاحی استغفار

با گذر از معنای لغوی، استغفار در ساحت اصطلاح، بیانگر فرایندی کنشی و نفسانی است که فراتر از یک طلب لفظی، به معنای بازگشت از قبح معصیت و اصلاح امور به شمار می‌آید. در نگاه متکلمان و

اندیشمندان اسلامی، استغفار عبارت است از روی آوردن به کارهای شایسته و نیک و زشت دانستن و روی‌گرداندن از امور فاسد. استغفار، درخواست آمرزش پس از درک زشتی گناه و روی‌گرداندن از آن است. از دیگر مفاهیم اصطلاحی استغفار، اصلاح امر فاسد در گفتار و کردار است. از این رو، «اغفروا هذا الأمر»؛ یعنی این کار را به‌گونه‌ای که شایستهٔ اصلاح است، اصلاح کنید (جرجانی، ۱۳۷۰، ص۷).

در اصطلاح، استغفار عبارت است از درخواست آمرزش از طریق دعا، توبه یا دیگر اعمال طاعت. ابن‌قیم گفته است: استغفار هنگامی که به‌تنهایی به کار رود، به معنای توبه همراه با درخواست آمرزش از خداوند متعال است و مقصود از آن، محو گناه، از بین بردن آثار آن و حفظ انسان از شرّ آن است. پوشاندن نیز لازمهٔ این معناست؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «از پروردگار خود آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است». بنابراین، استغفار در این معنا، توبه را نیز دربرمی‌گیرد. اما هنگامی که استغفار و توبه در کنار یکدیگر به کار روند، استغفار به معنای درخواست حفظ از شرّ گناهان گذشته است و توبه به معنای بازگشت و درخواست مصونیت از شرّ گناهانی است که ممکن است در آینده از اعمال ناپسند انسان پدید آید؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «و از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید» (عبدالمنعم، ۱۳۷۸، ج۱، ص۱۵۱).

استغفار عبارت است از درخواست آمرزش در گفتار و کردار. نزد متکلمان، استغفار به معنای طلب مغفرت پس از مشاهدهٔ زشتی گناه و روی‌گرداندن از آن است (بصمه‌جی، ۱۳۸۸، ص۵۰) و سه مرتبه دارد: نخست، استغفار از گناهان کبیره و صغیره؛ دوم، استغفار از غفلت نسبت به عمل و سوم، استغفار از هر آنچه غیر از حق تعالی است (عجم، ۱۳۷۸، ص۵۳).

۳-۳- تقابل معنایی (متضادها)

از جمله روش‌های تبیین دقیق مفاهیم اخلاقی، بازشناسی آن‌ها در بستر تقابل‌های معنایی است. واژهٔ استغفار، به‌مثابه کنشی مبتنی بر فروتنی و اعتراف به قصور، در تقابل مستقیم با روحیات استکباری و طغیان‌گر قرار می‌گیرد. واژگانی همانند «تَعَجْرُف»: خودبزرگ‌بینی، تندخویی و رفتار متکبرانه (طراد، ۱۳۸۹، ص۲۲۹)، «تَأَبُّه»: فخرفروشی، اظهار بزرگی و خودنمایی (همان، ص۱۹۹)، «تَغَطْرُس»: گردنکشی، نخوت و تکبر (همان، ص۲۳۵) و «تَکَبُّر»: خودبرتربینی و بزرگ‌منشی (همان، ص۲۴۲) را در شمار واژگان متضاد با استغفار آورده‌اند.

این واژگان از آن جهت در مقابل استغفار قرار می‌گیرند که استغفار بر فروتنی، پذیرش خطا و اعتراف به قصور در برابر خداوند دلالت دارد، در حالی که تعجرف، تأبّه، تغطرس و تکبر، بیانگر خودبزرگ‌بینی، فخرفروشی، گردنکشی و خودبرتربینی هستند. بنابراین، از نظر معنایی، استغفار بیانگر فروکاستن خودبینی و پذیرش نیازمندی انسان به بخشش الهی است، در حالی که واژگان یادشده بر روحیهٔ خودبرتربینی و سرپیچی دلالت دارند.

۳-٤- هم‌نشینی معنایی (مترادف‌ها)

در بررسی شبکهٔ معنایی استغفار، واژگانی دیده می‌شود که با این مفهوم هم‌پوشانی معنایی دارند و برای تبیین ابعاد عبادی و طلب رحمت، قرابت معنایی نزدیکی با آن برقرار می‌کنند. از این واژگان می‌توان به «المَرْحَمَة»، «الاِسْتِعْطاف» و «الاِسْتِرْحام» (صینی، ۱۴۱۴ق، ج۱، ص۷ـ۸)، «الدُّعاء»، «الصَّلاة» و «الرَّحْمَة» (همان، ص۶۶)، «التَّسْبیح» و «السُّجود» (طراد، ۱۳۸۸، ص۳۵۶) اشاره کرد که برخی از آن‌ها هم‌معنا و برخی دیگر از مصادیق مفهومی واژهٔ استغفارند.

٤- تبیین مضمونی استغفار در پرتو آیات سوره‌های منتخب

با بررسی لغوی و اصطلاحی «استغفار» و بررسی شبکه معنایی این واژه، می‌بایست زمینه‌های کاربست این مفهوم را در آیات قرآن نگریست تا از این رهگذر به تحلیلی دقیق از موضوع در سوره‌های منتخب دست یافت.

٤-۱- استغفار به‌عنوان الگوی بازگشت از خطا و تثبیت ایمان

خداوند در قرآن کریم، استغفار را مسیری برای بازگشت از خطا و اشتباه و راهبردی برای تثبیت ایمان برمی‌شمارد و به خطاکاران سفارش می‌کند که هنگام ارتکاب خطا و گناه، با استغفار آثار منفی اعمال نادرست خود را پاک و ایمان خویش را تثبیت کنند: ﴿الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾؛ و کسانی که هرگاه مرتکب گناهی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند و کیست جز خدا که گناهان را بیامرزد؟ و بر گناه خود، با اینکه می‌دانند (که گناه است)، پافشاری نمی‌کنند (آل‌عمران: ۱۳۵).

٤-۱-۱- دیدگاه مفسران شیعه و اهل‌سنت

تفاسیر شیعه	تفاسیر اهل‌سنت
المیزان	**التفسیر الکبیر**
علامه طباطبایی معتقد است مفاهیم «فاحشه» و «ظلم» در آیه، گناهان کبیره و صغیره را دربرمی‌گیرند. استغفار حقیقی نیز تنها لقلقهٔ زبان و از روی عادت نیست، بلکه باید از روی یاد خداوند باشد. از سوی دیگر، شرط اثربخشی استغفار، «عدم اصرار بر گناه» است؛ چرا که اصرار بر گناه، چه صغیره و چه کبیره، حالتی از بی‌احترامی و استکبار نسبت به مقام الهی در نفس ایجاد	فخر رازی استغفار را همان توبهٔ حقیقی می‌داند و حقیقت آن را پشیمانی از گذشته و تصمیم جدی بر ترک گناه در آینده اعلام می‌کند. به تصریح او، صرف استغفار زبانی، بدون تحول درونی، گناه را از بین نمی‌برد. وی یاد خدا را عامل اصلی پیدایش استغفار می‌داند؛ زیرا انسان با یاد عذاب، عظمت و حسابرسی الهی، به طلب آمرزش روی می‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۹، ص۳۶۸).

می‌کند که یاد خدا را بی‌ثمر می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۴، ص۲۱).	
صافی فیض کاشانی استغفار را نتیجهٔ یادآوری وعده‌ها و کیفرهای الهی می‌داند. وی با استناد به روایات صادقین بیان می‌کند که اصرار بر گناه، آن است که انسان پس از ارتکاب خطا، نه استغفار کند و نه به توبه بیندیشد. به باور این مفسر، استغفار همراه با توبه موجب آمرزش گناهان می‌شود و حتی گناهان بزرگ نیز با استغفار واقعی بخشوده خواهند شد. از این رو، استغفار راه خروج از گناه و نشانهٔ بازگشت انسان به سوی خداوند است (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج۱، ص۳۸۱).	**أنوار التنزیل** بیضاوی بیان می‌کند که استغفار از ندامت و توبه سرچشمه می‌گیرد. او تأکید دارد که خداوند با عبارت وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ بندگان را به امیدواری و درخواست آمرزش دعوت می‌کند. همچنین، استمرار بر گناه را مخالف حقیقت استغفار می‌داند و با استناد به حدیث نبوی بیان می‌دارد که کسی که استغفار کند، هرچند بارها دچار لغزش شود، در شمار اصرارکنندگان بر گناه قرار نمی‌گیرد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۲، ص۳۹).
مجمع البیان در این تفسیر، استغفار پس از ذکر خدا، به معنای یادآوری وعیدهای الهی، رخ می‌دهد و به‌مثابهٔ توبه‌ای است که گنهکار را از گناه بازمی‌دارد. این استغفار نشانهٔ امید به فضل و کرم الهی است؛ چنانکه خداوند با دعوت بندگان به استغفار، راه بخشایش را گشوده است. در این تحلیل، شرط کارآمدی استغفار، ترک اصرار بر گناه است؛ بدین معنا که توبه‌کننده نباید بر معصیت باقی بماند یا به آن عادت کند؛ زیرا گناه کبیره با توبه و استغفار واقعی از بین می‌رود و در مقابل، گناه صغیره با اصرار، تبدیل به گناهی بزرگ می‌شود (طبرسی، بی‌تا، ج۴، ص۲۵۹).	**روح البیان** اسماعیل حقی استغفار را تنها زمانی مؤثر می‌داند که همراه با پشیمانی قلبی و تصمیم بر ترک گناه باشد. به تصریح وی، استغفار زبانی بدون توبهٔ واقعی، سودی برای زدودن گناه ندارد و آن را «توبهٔ دروغگویان» می‌نامد. او استغفار را نشانهٔ امید به رحمت بی‌پایان الهی و راه نجات از یأس و ناامیدی معرفی می‌کند (حقی بروسوی، بی‌تا، ج۲، ص۹۶).
نمونه تفسیر نمونه استغفار را از ویژگی‌های اساسی پرهیزکاران می‌شمارد. به باور نویسندگان این تفسیر، انسان هنگام غفلت از خداوند مرتکب گناه می‌شود، اما مؤمن پس از لغزش، به‌سرعت به یاد خدا می‌افتد و از او طلب بخشش می‌کند. استغفار باید همراه با عدم تکرار آگاهانهٔ گناه باشد؛ زیرا اصرار بر گناه با روح توبه و بازگشت به خدا سازگار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۹۹).	**الدر المنثور** سیوطی بیشتر روایات مربوط به آیه را گردآوری کرده است. این روایات نشان می‌دهد که استغفار، از مهم‌ترین اسباب آمرزش گناهان است. در احادیث نقل‌شده، نماز، توبه، یاد خدا و استغفار از عوامل بخشش معرفی شده‌اند و تأکید شده است که خداوند تا زمانی که بنده از او آمرزش بخواهد، درِ مغفرت را به روی او باز می‌گذارد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۲، ص۷۷).

٤-١-٢- تحلیل محتوایی و مقایسهٔ تفسیری

بررسی تفاسیر فریقین در تفسیر آیهٔ ۱۳۵ سورهٔ آل‌عمران نشان می‌دهد که استغفار در نگاه هر دو مکتب تفسیری، تنها به معنای بر زبان آوردن عبارت «استغفرالله» نیست، بلکه حقیقتی درونی و عملی است که با یاد خدا، پشیمانی از گناه و تصمیم بر ترک آن تحقق می‌یابد. در تفاسیر شیعه، به‌ویژه المیزان، صافی و مجمع البیان، تأکید اصلی بر نقش «ذکر خدا» در بیداری انسان و ایجاد انگیزه برای بازگشت از گناه است. همچنین، مفهوم اصرار بر گناه، جایگاه ویژه‌ای دارد و ترک اصرار و تصمیم جدی بر اصلاح رفتار، از شرایط تحقق استغفار حقیقی دانسته شده است. روایات نقل‌شده از ائمه علیهم‌السلام نیز این معنا را تأیید می‌کنند و اصرار را به ادامهٔ گناه بدون توبه و استغفار تفسیر کرده‌اند.

در تفاسیر اهل‌سنت، از جمله تفسیر کبیر، أنوار التنزیل، روح البیان و الدرّ المنثور، علاوه بر تأکید بر توبه و ترک گناه، گستردگی رحمت الهی و امیدبخشی به گناهکاران بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. این تفاسیر با استناد به احادیث نبوی، استغفار را راهی برای جبران خطاها و بازگشت به مسیر بندگی معرفی می‌کنند. همچنین، در بسیاری از این تفاسیر تصریح شده است که استغفار زبانی، بدون ندامت قلبی و عزم بر ترک گناه، تأثیر واقعی در آمرزش ندارد. بنابراین، با وجود تفاوت در شیوهٔ بیان و استنادها، هر دو دیدگاه بر این اصل اتفاق دارند که استغفار حقیقی نیازمند تحول درونی، ترک گناه و امید به رحمت الهی است و همین امر، جایگاه ویژهٔ استغفار را در تربیت اخلاقی انسان نشان می‌دهد.

٤-٢- نقش استغفار در گشایش برکات آسمانی و پایداری معیشتی

در سرآغاز سورهٔ هود، خداوند با اشاره به نقش استغفار و توبه در دستیابی به موهبت‌های دنیوی، استغفار را زمینهٔ گشایش درهای روزی، نزول برکات الهی و پایداری بنیان‌های مادی و معیشتی مؤمنان برمی‌شمارد و می‌فرماید: ﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾؛ و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید تا شما را تا مدتی معیّن (از مواهب زندگی) به خوبی بهره‌مند سازد، و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد و اگر (از این فرمان) روی‌گردان شوید، من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم (هود: ۳).

٤-٢-١- دیدگاه مفسران شیعه و اهل‌سنت

تفاسیر شیعه	تفاسیر اهل‌سنت
المیزان	**الدر المنثور**
علامه طباطبایی رحمه‌الله این آیه را تفسیر و توضیح آیات آغازین سورهٔ هود می‌داند که محور اصلی آن‌ها دعوت به توحید، استغفار و توبه است. به اعتقاد ایشان، ﴿أَلَا	سیوطی به نقل از حسن بصری، مقصود از ﴿أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ﴾ را استوار شدن آیات قرآن در قالب اوامر و نواهی الهی و ﴿ثُمَّ فُصِّلَتْ﴾ را بیان وعده‌ها و هشدارهای

تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾ بیانگر توحید در عبادت و ترک هرگونه شرک است. پس از آن، استغفار و توبه مطرح می‌شود که ناظر به اصلاح رفتار و بازگشت عملی انسان به سوی خداوند است. از این رو، توحید اساس اعتقاد و استغفار و توبه از لوازم عملی آن به شمار می‌آیند. علامه ﷺ، استغفار را طلب آمرزش و توبه را بازگشت به سوی خدا از طریق ایمان و عمل صالح می‌داند. به‌باور ایشان، انسان برای رسیدن به کمال باید ابتدا شرک را کنار بگذارد، سپس از گناهان گذشته آمرزش بخواهد و با عمل صالح به سوی خدا بازگردد. همچنین، وعدهٔ ﴿مَتَاعًا حَسَنًا﴾ را به معنای زندگی پاک و مطلوب انسانی تفسیر می‌کند؛ زندگی‌ای همراه با آرامش، عدالت و بهره‌مندی صحیح از نعمت‌های الهی. در ادامه، آیه بیان می‌کند که خداوند پاداش هر انسان را متناسب با فضیلت‌ها و اعمال او عطا می‌کند و هیچ عمل نیکی را نادیده نمی‌گیرد. در پایان نیز با هشدار نسبت به عذاب قیامت، بر معاد و بازگشت همهٔ انسان‌ها به سوی خداوند تأکید می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۰، ص۱۴ـ۱۴۲).	خداوند می‌داند. همچنین، از قتاده نقل شده است که خداوند آیات قرآن را از هرگونه باطل محفوظ داشته و سپس احکام، حلال و حرام، طاعت و معصیت را در آن تبیین کرده است. بر اساس نقل قتاده، نتیجهٔ استغفار و بازگشت به سوی خدا، بهره‌مندی از نعمت‌ها و زندگی نیکو تا زمان مرگ است. از ابن‌مسعود نقل شده است که حسنات انسان چند برابر ثبت می‌شود و فضل الهی شامل پاداش فراوان اعمال نیک خواهد بود (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۳۲۰).
صافی فیض کاشانی استغفار را آمرزش‌خواهی از شرک و گناه و توبه را ایمان و اطاعت خداوند می‌داند. به باور او، نتیجهٔ این بازگشت، زندگی همراه با امنیت، آسایش و آرامش تا پایان عمر است. همچنین، خداوند به هر صاحب فضیلتی، پاداش متناسب با فضیلت و عمل او را در دنیا و آخرت عطا می‌کند. اگر انسان از این مسیر روی‌گردان شود، در معرض عذاب روز قیامت قرار خواهد گرفت (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج۲، ص۴۳۰).	**التفسیر الکبیر** فخر رازی دربارهٔ تفاوت استغفار و توبه چند دیدگاه مطرح می‌کند. به اعتقاد او، استغفار درخواست آمرزش از خداوند است و توبه بازگشت عملی انسان از مسیر گناه به سوی حق. وی تأکید می‌کند که طلب مغفرت بدون توبهٔ واقعی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا کسی که همچنان بر گناه اصرار دارد، حقیقتاً به سوی خدا بازنگشته است. او وعدهٔ ﴿يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا﴾ را تنها رفاه مادی نمی‌داند، بلکه آرامش روحی و اطمینان قلبی را از

	مهم‌ترین مصادیق آن برمی‌شمارد. به‌باور فخر رازی، عبارت قرآنی ﴿وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾ بیشتر ناظر به پاداش‌های اخروی است. درجات سعادت در آخرت یکسان نیست و هر کس متناسب با ایمان، معرفت و اعمال خویش از نعمت‌های الهی بهره‌مند خواهد شد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۱۷، ص۳۱۵).
مجمع البیان در مجمع البیان، استغفار و توبه، دو مرحلهٔ مکمل معرفی شده‌اند. انسان ابتدا باید از گناهان گذشتهٔ خود طلب آمرزش کند و سپس در آینده از گناه دوری جوید و به سوی خدا بازگردد. طبرسی ﴿مَتَاعًا حَسَنًا﴾ را بهره‌مندی از نعمت، آسایش و رفاه دنیا تا پایان عمر معنا می‌کند. همچنین، ﴿وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾ را اشاره به پاداش اعمال و تفاوت درجات انسان‌ها بر اساس میزان ایمان و کردار نیک آنان می‌داند. از نظر او، مقصود از «عذاب روز بزرگ» نیز عذاب قیامت و سختی‌های آن روز است (طبرسی، بی‌تا، ج۱۲، ص۷).	**أنوار التنزیل** در این تفسیر، استغفار به معنای ترک شرک و توبه به معنای بازگشت به خدا از طریق اطاعت معرفی شده است. نتیجهٔ این بازگشت، زندگی در امنیت و آرامش تا پایان عمر و بهره‌مندی از خیر دنیا و آخرت است. همچنین، تأکید می‌شود که خداوند پاداش هر صاحب فضیلتی را به‌طور کامل عطا می‌کند و روی‌گردانی از این دعوت الهی، عذاب قیامت را در پی خواهد داشت (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۳، ص۱۲۸).
نمونه صاحب تفسیر نمونه این آیه را خلاصه‌ای از برنامهٔ تربیتی قرآن معرفی می‌کند. از دیدگاه ایشان، چهار اصل اساسی در این آیه بیان شده است: توحید، پذیرش رسالت پیامبر، استغفار و توبه. دو اصل نخست، جنبهٔ اعتقادی دارند و دو اصل دیگر جنبهٔ عملی و اخلاقی. به باور تفسیر نمونه، اگر انسان این برنامهٔ الهی را بپذیرد، از زندگی سعادتمندانه و آرامش‌بخش در دنیا برخوردار می‌شود و در آخرت نیز پاداشی متناسب با اعمال خود دریافت می‌کند. اما مخالفت با این اصول، انسان را در معرض عذاب قیامت قرار خواهد داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۹، ص۱۰).	**روح البیان** حقی، پیام آیه را بیان‌کنندهٔ هدف اصلی نزول قرآن می‌داند و معتقد است که تمام معارف و دستورات قرآن در نهایت انسان را به یک حقیقت اساسی می‌رساند و آن عبادت خالصانهٔ خداوند است. به همین دلیل، جملهٔ ﴿أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾ را محور و مقصد اصلی همهٔ تعالیم قرآن معرفی می‌کند. از نگاه وی، کسی که عمر خود را صرف اهدافی غیر از بندگی خدا کند، از هدف حقیقی آفرینش دور شده است. تقدیم انذار بر بشارت در رسالت پیامبر از آن جهت است که دور شدن از گناه و اصلاح درون، مقدمهٔ رسیدن

	به کمال و سعادت است؛ بنابراین، هشدار نسبت به عذاب الهی پیش از وعدهٔ پاداش الهی مطرح شده است. روح البیان، استغفار را به معنای درخواست آمرزش و پوشیده شدن گناهان از سوی خداوند و توبه را بازگشت واقعی و پایدار انسان به سوی خدا و استمرار در مسیر اطاعت او می‌داند؛ از این رو، توبه مرتبه‌ای بالاتر از استغفار است؛ زیرا تنها درخواست بخشش کافی نیست، بلکه انسان باید در عمل نیز مسیر گذشته را اصلاح کرده و به فرمان الهی پایبند بماند. عبارت ﴿يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا﴾ را به مفهوم زندگی همراه با آرامش، آسایش و دوری از عوامل اضطراب و ناراحتی تفسیر کرده است؛ زندگی انسانی که تا پایان عمر مقدر خود در مسیر رضایت الهی زندگی خواهد کرد و از این نعمت‌ها بهره‌مند خواهد بود (حقی بروسوی، بی‌تا، ج۴، ص۹۱).

٤-٢-٢- تحلیل محتوایی و مقایسهٔ تفسیری

مطالعهٔ تفاسیر فریقین دربارهٔ آیات آغازین سورهٔ هود، نشان می‌دهد که استغفار در این آیات، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی دعوت الهی مطرح شده است. مفسران شیعه، به‌ویژه علامه طباطبایی ﷺ، میان توحید، استغفار و توبه رابطه‌ای منسجم برقرار کرده‌اند. از دیدگاه ایشان، آیه، ابتدا انسان را به توحید در عبادت فرا می‌خواند و سپس او را به استغفار و توبه دعوت می‌کند. این ترتیب نشان می‌دهد که اصلاح اعتقاد و عمل، دو مرحلهٔ مکمل در مسیر هدایت انسان است. همچنین، در تفسیر المیزان، استغفار به معنای طلب آمرزش از گذشته و توبه به معنای بازگشت عملی به سوی خدا از طریق ایمان و عمل صالح معرفی شده است.

در تفاسیر اهل‌سنت نیز اصل پیوند میان استغفار و توبه مورد توجه قرار گرفته است، اما تمرکز بیشتری بر آثار و نتایج آن دیده می‌شود. مفسران اهل‌سنت با استناد به اقوال صحابه و تابعین، بیان کرده‌اند که استغفار و توبه سبب برخورداری از «مَتاعٍ حَسَنٍ» و زندگی مطلوب در دنیا و همچنین دریافت پاداش کامل در آخرت می‌شود. در مجموع، هر دو مکتب تفسیری استغفار را عامل اصلاح رابطهٔ انسان با خدا و زمینه‌ساز سعادت دنیا و آخرت می‌دانند؛ با این تفاوت که در تفاسیر شیعه، جنبهٔ ساختاری و تربیتی استغفار در نظام اعتقادی

اسلام برجسته‌تر است، در حالی که تفاسیر اهل‌سنت، بیشتر بر آثار عملی و پیامدهای فردی و اجتماعی آن تأکید دارند.

٤-٣- نقش استغفار در اصلاح اجتماعی و گشایش در رزق و اموال

آیات ۱۰ تا ۱۲ سورهٔ نوح با واکاوی نقش استغفار در اصلاح اجتماعی، به افزایش سرمایه‌های مادی و گشایش رزق و روزی در سایهٔ استغفار پرداخته است: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ * ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾ * ﴿وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾؛ پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا (باران‌های) پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد (نوح: ۱۰ـ۱۲).

٤-٣-١- دیدگاه مفسران شیعه و اهل‌سنت

تفاسیر شیعه	تفاسیر اهل‌سنت
المیزان علامه طباطبایی ﵀ استغفار را زمینه‌ساز نزول رحمت و برکات الهی می‌داند. حضرت نوح ﵇ قوم خود را به استغفار دعوت کرد و این دعوت را با صفت «غفّار» بودن خداوند همراه ساخت. در این آیات، آثار دنیوی استغفار بیان شده است؛ از جمله نزول باران فراوان، افزایش اموال و فرزندان و بهره‌مندی از باغ‌ها و نهرها. این آیات نشان می‌دهد که میان صلاح و فساد انسان‌ها با وضعیت زندگی و نعمت‌های الهی ارتباط وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که استغفار و اصلاح جامعه موجب رفع بلاها و گشایش نعمت‌های آسمانی و زمینی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۲۰، ص۳۰).	**الدر المنثور** سیوطی با استناد به روایتی از پیامبر اکرم ﷺ بیان می‌کند که مسلمانان به فراوانی استغفار تشویق شده‌اند؛ زیرا آموزش استغفار از سوی خداوند، نشانهٔ ارادهٔ او بر آمرزش بندگان است. از قتاده نقل شده است که حضرت نوح ﵇ با مشاهدهٔ دلبستگی شدید قوم خود به امور دنیوی، آنان را به اطاعت خدا دعوت کرد و بیان داشت که در فرمانبرداری از خداوند، هم سعادت دنیا و هم سعادت آخرت نهفته است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۶، ص۲۶۸).
صافی فیض کاشانی استغفار را به معنای توبه از نافرمانی و بازگشت به سوی خداوند می‌داند. وی بیان می‌کند که خداوند نسبت به توبه‌کنندگان بسیار آمرزنده است و در نتیجهٔ استغفار، باران فراوان، اموال، فرزندان، باغ‌ها و نهرها به انسان عطا می‌شود. خداوند، به سبب اصرار قوم	**التفسیر الکبیر** فخر رازی بیان می‌کند که قوم نوح بر اثر تکذیب پیامبر خود، دچار خشکسالی و محرومیت از فرزند شده بودند. از این رو، حضرت نوح ﵇ آنان را به استغفار و ترک شرک دعوت کرد تا درهای نعمت الهی به روی آنان گشوده شود؛ زیرا به استناد آیات قرآن کریم، اطاعت و

نوح بر کفر، آنان را سال‌ها از باران و فرزند محروم ساخت و سپس وعده داد که در صورت استغفار، این نعمت‌ها به آنان بازگردانده می‌شود (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج۵، ص۲۳۱).	بندگی خداوند سبب نزول خیرات و برکات است. نعمت‌های وعده‌داده‌شده در این آیات شامل باران فراوان، افزایش اموال، افزایش فرزندان، باغ‌ها و نهرها است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳۰، ص۶۵۱).
مجمع البیان طبرسی استغفار را درخواست آمرزش از خداوند برای گناهان و کفر می‌داند و بیان می‌کند که خداوند توبه‌کنندگان را می‌بخشد. وی نزول باران فراوان، افزایش اموال و فرزندان و برخورداری از باغ‌ها و نهرها را از آثار استغفار معرفی می‌کند. در این تفسیر، با استناد به روایات، استغفار راهی برای رفع خشکسالی، فقر و کمبود نسل دانسته شده است. بر پایهٔ روایتی از امام جواد علیه‌السلام، استغفار وسیله‌ای برای طلب فرزند معرفی شده است (طبرسی، بی‌تا، ج۲۵، ص۳۳۵).	**أنوار التنزیل** بیضاوی استغفار را توبه از کفر و بازگشت به سوی خداوند معرفی می‌کند. به باور او، استغفار علاوه بر آمرزش گناهان، سبب جلب نعمت‌های الهی می‌شود. قوم نوح به علت پافشاری بر کفر، سال‌ها از باران و فرزند محروم بودند و خداوند وعده داد که در صورت استغفار، باران، اموال، فرزندان، باغ‌ها و نهرها را به آنان عطا کند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۵، ص۲۴۹).
نمونه این آیات بیانگر پاداش‌های دنیوی ایمان و استغفار است. استغفار علاوه بر آمرزش گناهان، سبب نزول باران‌های پربرکت، افزایش اموال، فزونی فرزندان، ایجاد باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری می‌شود. نویسندگان تفسیر نمونه تأکید می‌کنند که ایمان و تقوا تنها آثار اخروی ندارند، بلکه در آبادانی و رفاه زندگی دنیوی نیز نقش مؤثری ایفا می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲۵، ص۶۸).	**روح البیان** در تفسیر روح البیان، استغفار به معنای درخواست آمرزش از خداوند، با توبه از کفر و گناهان، معرفی شده است. این تفسیر بر گستردگی رحمت الهی و نقش استغفار در بخشش گناهان تأکید می‌کند. همچنین بیان می‌شود که استغفار موجب نزول باران، افزایش اموال و فرزندان و برخورداری از باغ‌ها و نهرها می‌شود. مفسر، استغفار را از عوامل مهم رفع گرفتاری‌های فردی و اجتماعی و گشایش در رزق و روزی می‌داند (حقی بروسوی، بی‌تا، ج۱۰، ص۱۷۶).

٤-۳-۲- تحلیل محتوایی و مقایسهٔ تفسیری

آیات استغفار در سورهٔ نوح، از مهم‌ترین آیات قرآن در بیان آثار و برکات استغفار است. بررسی تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که هر دو گروه، استغفار را عاملی برای نزول رحمت الهی و رفع مشکلات فردی و اجتماعی دانسته‌اند. در تفاسیر شیعه، استغفار افزون بر جنبهٔ آمرزش گناهان، وسیله‌ای برای اصلاح روح،

تقویت ارتباط با خداوند و زمینه‌ساز نزول برکات الهی معرفی شده است. این تفاسیر تأکید دارند که استغفار حقیقی باید همراه با توبه و بازگشت واقعی به سوی خدا باشد تا آثار آن در زندگی انسان آشکار شود.

در تفاسیر اهل‌سنت نیز با استناد به روایات و اقوال صحابه و تابعین، بر آثار گستردهٔ استغفار در زندگی انسان تأکید شده است. مفسران اهل‌سنت بیان می‌کنند که استغفار موجب نزول باران، افزایش رزق، فزونی اموال و فرزندان و گشایش در امور زندگی می‌شود. از این رو، استغفار تنها یک عبادت فردی نیست، بلکه راهکاری برای رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز به شمار می‌آید. مقایسهٔ این دو دیدگاه نشان می‌دهد که هر دو مکتب تفسیری بر آثار مادی و معنوی استغفار اتفاق نظر دارند؛ اما تفاسیر شیعه بیشتر بر تحول درونی و رشد معنوی انسان و تفاسیر اهل‌سنت بیشتر بر نمودهای عینی و آثار خارجی استغفار تأکید کرده‌اند. در نتیجه، استغفار در هر دو دیدگاه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل جلب رحمت الهی و دستیابی به سعادت دنیا و آخرت معرفی شده است.

۵- غرض و ساختار سوره‌ها و آیات منتخب

سورهٔ آل‌عمران، از سوره‌های مدنی قرآن کریم است که در ترتیب کنونی مصحف، سومین سوره و در ترتیب نزول، هشتادوهشتمین سوره به شمار می‌رود. این سوره حدود سال چهارم هجری نازل شده و دارای ۲۰۰ آیه است. نام سوره نیز از «آل‌عمران» گرفته شده است که داستان آنان در بخشی از سوره بیان شده است.

از نظر محتوایی، سورهٔ آل‌عمران به تبیین حقیقت و... می‌پردازد و در کنار مباحث اعتقادی، از حوادث و سرگذشت‌های تاریخی برای هدایت و تربیت مؤمنان بهره می‌گیرد. ساختار کلی سوره بر تقویت ایمان، شناخت حق و پایداری در مسیر آن استوار است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ج۳، ص۵ـ۶).

در ارتباط با موضوع این پژوهش، آیهٔ ۱۳۵ سورهٔ آل‌عمران اهمیت دارد؛ زیرا از کسانی سخن می‌گوید که پس از ارتکاب گناه، با یاد خدا و استغفار از خطای خود بازمی‌گردند و بر آن اصرار نمی‌ورزند. از این رو، این آیه جایگاه استغفار را در بازگشت از گناه و حرکت به سوی تقوا نشان می‌دهد.

سورهٔ هود از سوره‌های مکی قرآن کریم است و در ترتیب فعلی قرآن، یازدهمین سوره و در ترتیب نزول، پنجاه و یکمین سوره به شمار می‌رود. این سوره پس از سورهٔ یونس و پیش از سورهٔ یوسف نازل شده و دارای ۱۲۳ آیه، ۱۷۱۵ کلمه و ۷۵۱۳ حرف است. نام این سوره «هود» است که به مناسبت داستان حضرت هود علیه‌السلام در آیات ۵۰ تا ۶۰، به این نام نامیده شده است.

از نظر محتوایی، سورهٔ هود به تبیین اصول و مبانی دین، دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، معاد و بازگشت انسان به توحید می‌پردازد و بر پیامدهای مخالفت با دعوت الهی تأکید دارد.

در ارتباط با موضوع این پژوهش، در آیهٔ ۳ سورهٔ هود، استغفار و توبه در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند و پس از دعوت به بازگشت به سوی خدا، بهره‌مندی از زندگی نیکو تا زمان معین بیان شده است. بر اساس این آیه،

استغفار و توبه به‌عنوان بازگشت انسان از گناه و حرکت به سوی خدا مطرح شده‌اند (همان، ج۹، ص۱۱۷ـ۱۲۱).

سورهٔ نوح از سوره‌های مکی قرآن کریم است و در ترتیب نزول، هفتادمین سوره و در چینش کنونی قرآن، هفتاد و یکمین سوره به شمار می‌رود. این سوره پس از سورهٔ نحل و پیش از سورهٔ ابراهیم نازل شده و دارای ۲۸ آیه، ۲۲۴ کلمه و ۹۲۹ حرف است. تنها نام این سوره «نوح» است که از آیهٔ نخست آن گرفته شده است.

از نظر محتوایی، سورهٔ نوح به داستان حضرت نوح علیه‌السلام و دعوت او به توحید و... می‌پردازد و با بیان نشانه‌های الهی و سرانجام اهل باطل، بر هدایت و بازگشت به سوی خدا تأکید می‌کند.

در ارتباط با موضوع این پژوهش، آیات ۱۰ تا ۱۲ سورهٔ نوح اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا حضرت نوح علیه‌السلام در این آیات قوم خود را به استغفار دعوت می‌کند و برای آن نتایج مادی و معنوی و... بیان می‌شود. از این رو، آیات مذکور ارتباط میان استغفار و برکات معنوی و مادی زندگی انسان را نشان می‌دهند (همان، ج۲۱، ص۲۰۵ـ۲۱۳).

٦- توجه به سیاق آیات منتخب

سیاق در اصطلاح، ساختار کلی‌ای است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آن‌ها اثر می‌گذارد. در علم ساختارشناسی سوره‌ها، مجموعهٔ آیاتی که با یکدیگر ارتباط لفظی دارند و مطلب واحدی را بیان می‌کنند، «سیاق» نامیده می‌شوند (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص۲۲).

سورهٔ آل‌عمران به دلیل تعداد زیاد آیات، سیاق‌های متعددی دارد. در تفسیر نمونه، آیات ۱۳۳ تا ۱۳۶ یک بستهٔ سیاقی را تشکیل می‌دهند. در این مجموعه، آیات ۱۳۳ و ۱۳۴ به سبقت در آمرزش الهی، تقوا، فروبردن خشم و گذشت از خطای مردم اشاره دارند. آیهٔ ۱۳۵، که آیهٔ موردنظر این پژوهش است، به کسانی می‌پردازد که مرتکب گناه می‌شوند، سپس برای گناهان خود طلب مغفرت کرده، پشیمان می‌شوند و بر گناه اصرار نمی‌ورزند. آیهٔ ۱۳۶ نیز پاداش این افراد را بهشت معرفی می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۹۰).

علامه طباطبایی رحمه‌الله آیات ۱۳۰ تا ۱۳۸ سورهٔ آل‌عمران را در یک سیاق می‌داند و آیهٔ ۱۳۵ را در همین مجموعه قرار می‌دهد. از نظر ایشان، این آیات در ادامهٔ آیات مربوط به جنگ احد قرار دارند و با دعوت مؤمنان به تقوا، توکل، پایداری در اطاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، انجام کارهای نیک، فروبردن خشم و بخشش مردم، آنان را از گرفتار شدن در عوامل ضعف و نافرمانی بازمی‌دارند. علامه رحمه‌الله در تبیین آیهٔ ۱۳۵، اصرار بر گناه را صرفاً تکرار عمل نمی‌داند، بلکه آن را حالتی ناشی از بی‌تفاوتی نسبت به نقض نواهی الهی و تکبر در برابر خداوند می‌شمارد. همچنین، استغفار واقعی را صرف گفتن الفاظ از روی عادت نمی‌داند، بلکه آن را یادکرد مقام خداوند همراه با توجه و پشیمانی واقعی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۴، ص۱۷ـ۲۲).

در تفسیر نمونه، آیات ۱ تا ۴ سورهٔ هود یک بستهٔ سیاقی را تشکیل می‌دهند و آیهٔ ۳، که آیهٔ موردنظر این پژوهش است، در همین مجموعه قرار دارد. در این آیات، چهار اصل اساسی در دعوت انبیا بیان شده است:

توحید و مبارزه با شرک، پذیرش رسالت پیامبر ﷺ، استغفار از گناهان و توبه و بازگشت به سوی خدا. دو مورد نخست، جنبهٔ اعتقادی و دو مورد دیگر جنبهٔ عملی دارند.

در ادامه، نتیجهٔ عمل به این دستورها، بهره‌مندی از زندگی سعادتمندانه در دنیا و برخورداری هر فرد از فضل الهی متناسب با عمل او دانسته شده است؛ در مقابل، روی‌گردانی از این دستورات با بیم از عذاب الهی همراه است. بنابراین، در این سیاق، استغفار و توبه در کنار یکدیگر قرار گرفته و از عوامل بهره‌مندی از زندگی نیکو در دنیا معرفی شده‌اند.

در ادامهٔ این بحث، با اشاره به آیات سورهٔ نوح، پیوند میان استغفار و برکات مادی زندگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که استغفار، زمینهٔ نزول برکات آسمانی، افزایش اموال و فرزندان و برخورداری از باغ‌ها و نهرها دانسته شده است. همچنین، پاکسازی جامعه از گناه و آراستگی به ارزش‌های انسانی، زمینه‌ساز زندگی شایسته و برخورداری از امنیت و آرامش معرفی شده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۹، ص۸ـ۱۳).

آیات ۱۰ تا ۱۴ سورهٔ نوح در تفسیر نمونه یک بستهٔ سیاقی را تشکیل می‌دهند و آیات ۱۰ تا ۱۲، که مورد بررسی این پژوهش هستند، در همین مجموعه قرار دارند. در این آیات، نوح ؑ قوم خود را به استغفار و ترک گناه دعوت می‌کند و استغفار را زمینهٔ بهره‌مندی از رحمت و برکات الهی می‌داند. بر اساس این سیاق، استغفار افزون بر بخشش گناهان، با نزول باران، افزایش اموال و فرزندان و برخورداری از باغ‌ها و نهرها همراه دانسته شده است. در ادامه، رابطهٔ تقوا و عمران و آبادی نیز مورد تأکید قرار گرفته و ایمان و عدالت، عامل آبادی جامعه و کفر، ظلم و گناه، عامل ویرانی آن معرفی شده است. همچنین، در روایات، استغفار و ترک گناه، سبب فزونی روزی و بهبود زندگی دانسته شده است (همان، ج۲۵، ص۶۸ـ۷۴).

۷- توجه به احادیث

در منظومهٔ معرفتی اسلام، قرآن کریم و عترت طاهره ؑ دو رکن اصلی هدایت هستند. از آنجا که بسیاری از آموزه‌های قرآن به‌صورت کلی بیان شده‌اند، احادیث اهل‌بیت ؑ با تبیین این مفاهیم، در فهم دقیق‌تر و جلوگیری از برداشت‌های ناصحیح نقش دارند. در ادامه، به برخی از احادیث مربوط به سه آیه در سه سورهٔ موردنظر اشاره می‌شود.

در باب سی و هشتم جلد دوم کتاب مستدرک الوسائل آمده است که صدوق در الامالی، از محمدبن‌ابراهیم‌بن‌اسحاق، از احمدبن‌محمد الهمدانی، از احمدبن‌صالح‌بن‌سعد التمیمی، از موسی‌بن‌داوود، از ولیدبن‌هشام، از ابن‌حسن، از حسن‌بن‌ابی‌الحسن بصری، از عبدالرحمن‌بن‌غنم الدوسی روایت کرده است که معاذبن‌جبل بر رسول خدا ﷺ وارد شد، در حالی که گریه می‌کرد. پیامبر ﷺ ماجرای جوان دزد قبر و گناه او، دور شدنش از حضور پیامبر و رفتنش به کوه‌ها و توبه و بازگشت او به سوی خدا را بیان کردند. سپس خداوند به پیامبر ﷺ وحی فرمود: «و کسانی که چون مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود

ستم کنند، خدا را یاد کردند و برای گناهان خود طلب آمرزش نمودند» و بر گناه خود اصرار نورزیدند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص۳۴۶). این روایت نشان می‌دهد که استغفار در آیهٔ ۱۳۵ سورهٔ آل‌عمران با آگاهی از گناه همراه است و انسان پس از خروج از غفلت و پشیمانی از خطا، به سوی طلب آمرزش می‌رود. همچنین، عدم اصرار بر گناه از ارکان اصلی استغفار معرفی شده است.

در ارتباط با آیهٔ ۳ سورهٔ هود، در روایتی، پیامبر ﷺ استغفار را سبب آمرزش گناهان و پذیرفته‌شدن نماز، روزه و شب‌زنده‌داری انسان و نیز استجابت دعا معرفی می‌کنند. در ادامه، برای تأکید بر این معنا، به آیاتی از قرآن استناد شده است که بر طلب آمرزش از خداوند (نوح: ۱۰)، استغفار و توبه و بازگشت به سوی خدا (هود: ۱۱)، آمرزش گناهان پس از یاد خدا و پشیمانی از گناه (هود: ۱۱) و بهره‌مندی از نعمت‌های نیکوی الهی پس از استغفار و توبه (هود: ۱۱) دلالت دارند. در پایان روایت، پیامبر ﷺ استغفار را هدیه‌ای ویژه برای خود و امت خویش، اعم از زن و مرد، معرفی می‌کنند (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج۶، ص۲۲۰).

برای آیات ۱۰ تا ۱۲ سورهٔ نوح، در کتاب مستدرک الوسائل، جلد ششم، گفته شده است که استغفار سبب جاری‌شدن روزی و رحمت الهی برای مردم معرفی شده است. در این روایت، با استناد به سخن خداوند دربارهٔ طلب آمرزش از پروردگار و نزول باران و افزایش مال و فرزند، بر پیوند استغفار با رحمت و برکات الهی تأکید شده است.

در ادامه، در دعایی برای طلب باران، از خداوند درخواست می‌شود که باران، نعمت، روزی و رحمت خود را بر مردم نازل کند و آنان را با بارانی گوارا و سیراب‌کننده بهره‌مند سازد؛ به‌گونه‌ای که محصول فراوان شود، دشت‌ها سیراب و دره‌ها جاری شوند، درختان برگ آورند و قیمت‌ها کاهش یابد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج۶، ص۲۰۲).

۸- توجه به اسباب نزول

سبب نزول، به معنای رخداد یا پرسشی است که در زمان پیامبر اکرم ﷺ رخ داده و خداوند متعال در پاسخ به آن واقعه یا سؤال، آیه یا آیاتی را برای تبیین حکم یا توضیح موضوع نازل فرموده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱، ص۱۰۰؛ زرقانی، ۱۳۸۵، ص۱۲۶).

در سبب نزول آیهٔ ۱۳۵ سورهٔ آل‌عمران، روایتی دربارهٔ جوانی نقل شده است که پس از ارتکاب گناهی بزرگ، با پشیمانی نزد پیامبر ﷺ آمد و از بخشش الهی ناامید بود. پیامبر ﷺ او را به رحمت خداوند امیدوار کرد و فرمود که خداوند گناهان را، هر اندازه بزرگ باشند، می‌بخشد. جوان پس از بیان گناه خود، با شدت بیشتری دچار پشیمانی شد و پیامبر ﷺ او را از نزد خود دور کرد. جوان پس از آن، به بیابان و دامنهٔ کوه رفت و خود را به زنجیر بست و چهل روز به گریه، توبه، انابه و طلب آمرزش از خداوند پرداخت. در این مدت، از شدت پشیمانی و گریه، وضعیت جسمانی او دگرگون شد. پس از گذشت چهل روز، آیهٔ ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ...﴾ نازل شد و بر یاد خدا و استغفار پس از گناه تأکید کرد. پیامبر ﷺ پس از نزول آیه، به همراه

اصحاب نزد جوان رفت و او را در حالی یافت که همچنان مشغول توبه و گریه بود. سپس او را به بخشش و عفو الهی بشارت داد (ر.ک: بحرانی، ۱۳۷۵، ج۱، ص۶۹۰ـ۶۹۳؛ محقق، ۱۳۵۰، ص۹۶ـ۹۸).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با واکاوی آیات منتخب در سه سورهٔ آل‌عمران، هود و نوح و با بهره‌گیری از روایات تفسیری، ابعاد مختلف مفهوم و کارکرد استغفار را در منظومهٔ معرفتی قرآن کریم بررسی کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استغفار در آیات مورد بررسی، صرفاً یک عمل زبانی نیست، بلکه فرآیندی درونی و عملی است که با یاد خدا، پشیمانی از خطا، ترک گناه و بازگشت عملی به سوی خداوند پیوند دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج را می‌توان در چند محور بیان کرد:

۱. استغفار، فرآیندی فراتر از طلب آمرزش زبانی: بررسی آیهٔ ۱۳۵ سورهٔ آل‌عمران نشان داد که استغفار حقیقی با یاد خدا، پشیمانی از گناه و عدم اصرار بر آن همراه است. از این رو، استغفار در این آیه صرفاً بر زبان آوردن عبارت‌های آمرزش‌خواهی نیست، بلکه نشانهٔ آگاهی انسان از خطا و ارادهٔ او برای اصلاح رفتار و بازگشت به مسیر بندگی است. در این چارچوب، عدم اصرار بر گناه، یکی از شاخصه‌های اصلی استغفار حقیقی به شمار می‌آید.

۲. استغفار، زمینه‌ساز اصلاح فردی و بهره‌مندی از حیات مطلوب: در آیهٔ ۳ سورهٔ هود، استغفار در کنار توبه و پس از دعوت به توحید مطرح شده است. بر اساس تحلیل تفسیری این آیه، استغفار و توبه از لوازم عملی توحید و بازگشت انسان به سوی خداوند هستند و نتیجهٔ آن‌ها با تعبیر ﴿مَتَاعًا حَسَنًا﴾ بیان شده است. بنابراین، کارکرد استغفار در این آیه از اصلاح رابطهٔ انسان با خداوند فراتر رفته و به بهبود وضعیت زندگی و بهره‌مندی از خیر و آرامش در دنیا و آخرت پیوند می‌یابد.

۳. استغفار، زمینه‌ساز گشایش اجتماعی و مادی: آیات ۱۰ تا ۱۲ سورهٔ نوح، گسترهٔ دیگری از کارکرد استغفار را نشان می‌دهد. در این آیات، استغفار با نزول باران، افزایش اموال و فرزندان و برخورداری از باغ‌ها و نهرها ارتباط یافته است. از این رو، در کنار کارکرد معنوی و تربیتی، برای استغفار کارکردی اجتماعی و معیشتی نیز ترسیم شده است. بررسی تفاسیر نشان می‌دهد که مفسران فریقین، با استناد به این آیات و روایات تفسیری، میان اصلاح وضعیت انسان و جامعه و گشایش در برخی نعمت‌های دنیوی ارتباط برقرار کرده‌اند.

۴. اشتراک و تفاوت رویکرد تفاسیر فریقین: بررسی تفاسیر منتخب دو مکتب نشان داد که در اصلِ معنای استغفار و پیوند آن با توبه، ترک گناه و بازگشت به سوی خداوند، اشتراک قابل توجهی وجود دارد. با این حال، در نحوهٔ تأکید و تبیین کارکردهای آن تفاوت‌هایی دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برخی تفاسیر شیعه بر جنبهٔ درونی، تربیتی و اصلاحی استغفار تأکید بیشتری دارند، در حالی که در برخی تفاسیر اهل‌سنت، پیامدهای عملی و آثار دنیوی و اخروی آن برجسته‌تر شده است. در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد

که استغفار در آیات منتخب، مفهومی چندبعدی است که از اصلاح رابطهٔ انسان با خداوند آغاز می‌شود و می‌تواند در اصلاح رفتار فردی، بهبود زندگی و گشایش در وضعیت اجتماعی و معیشتی انسان نیز بازتاب یابد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌فارس، احمدبن‌فارس (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر.

۲. بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان (۱۳۷۵). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: دار التفسیر.

۳. بصمه‌جی، سایر (۱۳۸۸). معجم مصطلحات ألفاظ الفقه الإسلامی، دمشق: صفحات للدراسات و النشر.

۴. بیضاوی، عبدالله‌بن‌عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۵. جرجانی، علی‌بن‌محمد (۱۳۷۰). کتاب التعریفات، تهران: ناصرخسرو.

۶. حسینی شاهردوی، مرتضی؛ شریعتی، فهیمه (۱۳۹۰). «بررسی مفهوم استغفار در صحیفهٔ سجادیه»، قرآن و حدیث، شمارهٔ ۸۶، ص۱۸.

۷. حقی بروسوی، اسماعیل‌بن‌مصطفی (بی‌تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.

۸. حمیری، نشوان‌بن‌سعید و همکاران (۱۳۷۸). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دمشق: دار الفکر.

۹. خامه‌گر، محمد (۱۳۹۶). اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم و الدار الشامیة.

۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۸). تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۱۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵). مناهل العرفان فی علوم القرآن، مترجم: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۳. سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: مکتبة آیةالله العظمی المرعشی النجفی.

۱۴. صینی، محمود اسماعیل و همکاران (۱۴۱۴ق). المکنز العربی المعاصر، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.

۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (بی‌تا). ترجمهٔ تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی و دیگران، تهران: فراهانی.

۱۷. طراد، مجید (۱۳۸۸). المعجم المفصل فی المترادفات فی اللغة العربیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۸. طراد، مجید (۱۳۸۹). المعجم المفصل فی المتضادات فی اللغة العربیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۹. طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: مکتبة المرتضویة.

۲۰. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (۱۳۷۸). معجم مصطلحات الألفاظ الفقهیة، قاهره: دار الفضیلة.

۲۱. عجم، رفیق (۱۳۷۸). موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامی، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.

۲۲. فخر رازی، محمدبن‌عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۳. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۲۴. فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی (۱۳۷۳). تفسیر الصافی، تهران: مکتبة الصدر.

۲۵. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۲۶. محقق، محمدباقر (۱۳۵۰). نمونۀ بینات در شأن نزول آیات، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۷. مدنی، علی‌خان‌بن‌احمد (۱۳۶۸). ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علیه‌السلام، قم: جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیۀ قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱). علوم قرآنی، قم: التمهید.
۲۹. معلوف، لوییس و همکاران (۲۰۰۰). المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت: دار المشرق.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۱. موسی، حسین یوسف و صعیدی، عبدالفتاح (۱۳۶۹). الإفصاح فی فقه اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزۀ علمیۀ قم.
۳۲. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

References

The Holy Qur’an.

1. Ibn Faris, Ahmad ibn Faris. (1399 SH). *Mu‘jam Maqayis al-Lughah*. Beirut: Dar al-Fikr.
2. Bahrani, Hashim ibn Sulayman. (1375 SH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur’an*. Qom: Dar al-Tafsir.
3. Basmahji, Sa’ir. (1388 SH). *Mu‘jam Mustalahat Alfaz al-Fiqh al-Islami*. Damascus: Safahat li al-Dirasat wa al-Nashr.
4. Baydawi, ‘Abd Allah ibn ‘Umar. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta’wil*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.
5. Jurjani, ‘Ali ibn Muhammad. (1370 SH). *Kitab al-Ta‘rifat*. Tehran: Nasir Khusraw.
6. Husayni Shahruudi, Murtada, and Fahimeh Shari‘ati. (1390 SH). “Barrasi-ye Mafhum-e Istighfar dar Sahifeh-ye Sajjadiyeh” [An Examination of the Concept of Seeking Forgiveness in al-Sahifah al-Sajjadiyyah]. *Qur’an va Hadith*, no. 86, p. 18.
7. Haqqi Bursawi, Isma‘il ibn Mustafa. (n.d.). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fikr.
8. Humayri, Nashwan ibn Sa‘id, et al. (1378 SH). *Shams al-‘Ulum wa Dawa’ Kalam al-‘Arab min al-Kulum*. Damascus: Dar al-Fikr.
9. Khamegar, Muhammad. (1396 SH). *Usul va Qava‘id-e Kashf-e Istidlali-ye Gharad-e Surah-ha-ye Qur’an* [Principles and Rules for the Inferential Discovery of the Objectives of Qur’anic Surahs]. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary, Research Institute for Islamic Sciences and Culture.
10. Raghib Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur’an*. Beirut: Dar al-‘Ilm and al-Dar al-Shamiyyah.
11. Riza’i Isfahani, Muhammad ‘Ali. (1378 SH). *Tafsir-e Qur’an-e Mehr*. Qom: Qur’anic Exegesis and Studies in Qur’anic Sciences.
12. Zarqani, Muhammad ‘Abd al-‘Azim. (1385 SH). *Manahil al-‘Irfan fi ‘Ulum al-Qur’an*. Translated by Mohsen Armin. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
13. Suyuti, ‘Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1404 AH). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma’thur*. Qom: Ayatollah al-‘Uzma Mar‘ashi Najafi Library.
14. Sini, Mahmud Isma‘il, et al. (1414 AH). *Al-Muknaz al-‘Arabi al-Mu‘asir*. Beirut: Maktabat Lubnan Nashirun.
15. Tabataba’i, Muhammad Husayn. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur’an*. Beirut: Mu’assasat al-A‘lami li al-Matbu‘at.
16. Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (n.d.). *Tarjomeh-ye Tafsir-e Majma‘ al-Bayan*. Translated by Husayn Nuri Hamadani et al. Tehran: Farahani.
17. Tarrad, Majid. (1388 SH). *Al-Mu‘jam al-Mufassal fi al-Mutaradifat fi al-Lughah al-‘Arabiyyah*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.

18. Tarrad, Majid. (1389 SH). *Al-Mu‘jam al-Mufassal fi al-Mutadaddat fi al-Lughah al-‘Arabiyyah*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
19. Tura hi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. (1375 SH). *Majma‘ al-Bahrayn*. Tehran: Maktabat al-Murtadawiyyah.
20. ‘Abd al-Mun‘im, Mahmud ‘Abd al-Rahman. (1378 SH). *Mu‘jam Mustalahat Alfaz al-Fiqhiyyah*. Cairo: Dar al-Fadilah.
21. ‘Ajam, Rafiq. (1378 SH). *Mawsu‘at Mustalahat al-Tasawwuf al-Islami*. Beirut: Maktabat Lubnan Nashirun.
22. Fakhr al-Din al-Razi, Muhammad ibn ‘Umar. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi.
23. Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1410 AH). *Kitab al-‘Ayn*. Beirut: Mu’assasat al-A‘lami li al-Matbu‘at.
24. Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtada. (1373 SH). *Tafsir al-Safi*. Tehran: Maktabat al-Sadr.
25. Qurashi, ‘Ali Akbar. (1371 SH). *Qamus-e Qur’an*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
26. Muhaqqiq, Muhammad Baqir. (1350 SH). *Namuneh-ye Bayyinat dar Sha’n-e Nuzul-e Ayat*. Tehran: Intisharat-e Islami.
27. Madani, ‘Ali Khan ibn Ahmad. (1368 SH). *Riyad al-Salikin fi Sharh Sahifat Sayyid al-Sajidin*. Qom: Society of Seminary Teachers, Islamic Publications Office.
28. Ma‘rifat, Muhammad Hadi. (1381 SH). *‘Ulum Qur’ani*. Qom: Al-Tamhid.
29. Ma‘luf, Louis, et al. (2000). *Al-Munjid fi al-Lughah al-‘Arabiyyah al-Mu‘asirah*. Beirut: Dar al-Mashriq.
30. Makarim Shirazi, Nasir. (1374 SH). *Tafsir-e Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
31. Musa, Husayn Yusuf, and ‘Abd al-Fattah Sa‘idi. (1369 SH). *Al-Ifsah fi Fiqh al-Lughah*. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary.
32. Nuri, Husayn ibn Muhammad Taqi. (1408 AH). *Mustadrak al-Wasa’il*. Beirut: Mu’assasat Al al-Bayt li-Ihya’ al-Turath.